

استاد سخن میگوید:

تفکری عظمت طلبانه صادق صبا از کجا الهام میگیرد؟؟؟

قابل توجه بی بی سی!

پژوهشگر (صباح)

بلخ با تاریخ پنجهزار ساله اش، در گذشته بنامهای بخدی، بلهیکا، بلخ الحسني، ام البلاد، قبه الاسلام یادشده است و مرکزیت سرزمین وسیعی بنام آریانا و خراسان را تشکیل می داده است و اکنون نیز ولایت بزرگ در شمال افغانستان است.
بلخ یکی از نامداران ترین مناطق کشور است که در تمدن، پیشینه بسیار دراز دارد و در ردیف شهرهای مشهور دنیای قدیم به حساب می آمده است. بلخ هم پای سمرقند، بغداد، دمشق، قاهره، مداین، و... در اوراق تاریخ ثبت می باشد و در گذشته مناطق بزرگی بنام بلخ یاد می شده است.

شخصیتهای بلند مرتبه بلخ در گذشته زادگاه بزرگترین نوایغ علمی و فرهنگی بوده است که هم اکنون نیز نام آنان زینت بخش اوراق تاریخ کشور جهان می باشد. مولانا جلال الدین محمد بلخی، ابوعلی سینای بلخی، ابوشکور بلخی، ناصر خسرو بلخی، رابعه بلخی، ابراهیم ادهم، دقیقی بلخی و صد هاتن دیگر از جمله مشهورترین فیلسوفان، عرفان و شاعران اند که بیشتر مردم با نام آنان آشنا هستند.

مدتی است در تارنمایی بی بی سی در صفحه ویژه یکتعداد افراد عظمت طلب و کور ذهن و بخصوص آنانیکه در بی بی سی فارسی لمیده اند و با استفاده از سیاست آب گل کن و ماهی بگیر، کور کورانه و بیمارگونه شخصیت های علمی و فرهنگی افغانستان (خراسان بزرگ) را دودسته چسپیده و افتخارات مارابه خود نسبت میدهند و این شخصیت دزدی از تفکر بی ارزش آنان نماینده گی مینماید، نه تنها این مشکل بزرگ راماداریم، بلکه کشورهای دیگری و بخصوص عراق (بابل



B B C

وسرزمینهای این کشور) و آسیایی مرکزی راجز قلمروی خویش و بزرگان انرا بخود نسبت بدهند. کشورهای اطراف خلیج نیز به سرنوشت ما مواجه اند (نمونه بارز این ماجراجویی اراضی های خلیج مربوط امارات متحده عربی میباشد). همچنان اینان تلاشهای را انجام داده اند تا اندیشمندان شبه قاره هند را نیز هویت جعلی ایرانی بدهند.

این شیوه زشت یکی از خصلتهای سابقه آنان است که مولانای بلخی، دقیقی بلخی شاعر قرن چهارم هجری نخستین گردآورنده شاهنامه پیش از فردوسی بزرگ، فردوسی حکیم فرزانه ابوالقاسم حسن ابن اسحق از وی به نام خداوندگار تاریخ و فرهنگ نیز یاد میکنند، ابوعلی سینای بلخی، ناصر خسرو بلخی شاعر نامدار قرن پنجم هجری، ابو معشر جعفر بن محمد بن عمر بلخی، احمد بن سهل بلخی، ابوسهل فضل بن نوبخت، سیاوش یکی از اسطوره های ملی، رودکی سمرقندی شاعر بزرگ قرن چهارم هجری و تهیه کننده کلیله و دمنه، روزبه دوره خلافت عمر بن خطاب طراح شهرهای بصره و کوفه، سیف فرغانی از شاعران و عارفان قرن هفت هجری، شمس الدین محمد بن ایوب دینسری (سده هفتم هجری) دایره المعارف نویسنده کتاب نواذر التبا در لثغه البهادر که شامل مباحثی از علوم طبیعی است، رابعه بلخی نخستین زنی که پس از حمله وحشیانه اعراب به زبان پارسی دری شروع به سرودن شعر کرد زمانش را برابر با رودکی گفته اند، گفته شده است که حارث برادر رابعه غلامی زیبایی به نام بکتاش داشت که بعدها رابعه عاشق بکتاش میشود که در اثر این عشق حارث فرمان میدهد که رابعه را به حمام ببرند و رگهایش را بزنند و بعد از آن درب حمام را گل بگیرند که بعد از آن رابعه با خون خود شعرهایش را بر دیوار حمام نوشت و به ناکامی از جهان رفت، ابو سعید ابوالخیر، سنایی غزنوی عارف و زاهد و اندیشمند بزرگ و استاد شعر پارسی دری در قرن پنجم هجری، جعفر محمد بن موسی خوارزمی، استاد بهزاد، بیهقی، نظامی گنجوی حکیم ابو محمد الیاس بن زکی بن مؤنذ ملقب به نظامی گنجوی شاعر نامدار، خوارزمی محمد بن احمد کاتب - از دایره المعارف نویسان سده چهارم هجری است کاتب مفاتیح العلوم وی شامل مباحثی در حساب، هندسه، نجوم، موسیقی، تخنیک و کیمیا، عطار، جامی، خواجه عبدالله انصاری، یعقوب لیث صفاری، آرش کمانگیر، مسلم خراسانی، ابو نصر محمد فارابی، احمد معماری لاهوری و برادرش استاد حمید لاهوری سده یازدهم هجری معماران سازنده تاج محل در هندوستان، ابوریحان محود بن احمد بیرونی، سید جمال الدین افغانی ... را از ایران قلمداد میکنند. اینانی که مختصراً در بالا آزان نام برده شد مانند ده ها اندیشمند دیگری وطن ما جزئی از هویت و فرهنگ ما هستند.

میگویند: ملتی که گذشته نداشته باشد آینده هم ندارد.

ماچرا بی تفاوت از افتخارات تاریخی و ادبی خویش بگذریم تا هویت ما را به تاراج ببرند.

خبرگزاری جمهور دریک بررسی زیر عنوان (همدلی از همزبانی بهتر است) مینویسد:

مولانا جلال الدین محمد بلخی از کجا است؟ ابوعلی سینا، دانشمند ایرانی بود یا افغانستانی؟ خواجه شمس الدین حافظ شیرازی به کدام زبان شعر سروده است: دری یا پارسی؟ و... این پرسش ها، از جمله ی هزاران پرسشی است که همواره در محافل روشنفکری دو کشور مطرح می شود. ایرانی ها حسب معمول تلاش شان این است که همه این مردان بزرگ را ایرانی ثابت نموده و جزء افتخارات خودشان قلمدادکنند و تریاک و ترور و وحشیگری را به افغانستان نسبت بدهند. در اینسو، افغان ها نیز سعی می کنند تا مولانا و ابوعلی سینا و... را مال افغانها قلمداد کرده و ایرانی ها را متهم به دروغبافی و جعل و تحریف تاریخ نمایند.

اعتراف ایرانیان برای اولین بار در آخرین نیوز رسانه مستقل ایرانیان

ایرانیان مفاخر سرزمین ما را مصادره کردند

این در حالی است که اقدام ایرانیها به اینجا محدود نشد و ایرانیها بشدت از استفاده از پسوند های " بلخي " در نام " ابوعلی سینای بلخي " و مولوی بلخی وحشت دارند. به گزارش آخرین نیوز ، یک استاد دانشگاه کابل از اقدام ایران در مصادره مشاهیر افغانی در همایش میراث مشترک افغانستان و ایران در کابل گله کرد . استاد مسعود در این همایش در سخنرانی خود که از شبکه تلویزیونی افغانستان از جمله نور و تمدن پخش می شد ، همچنین ادعا کرد : در ایران سید جمال الدین افغانی را " سید جمال الدین اسدآبادی " می نامند . این در حالی است که اقدام ایرانیها به اینجا محدود نشد و ایرانیها بشدت از استفاده از پسوند های " بلخي " در نام " ابوعلی سینای بلخي " و مولوی بلخی وحشت دارند. وی همچنین مدعی شد: در ایران بجای مولانا جلال الدین بلخي، این شاعر بزرگ بلخ افغانستان از نام " مولانا جلال الدین رومی " استفاده می شود و باید در این خصوص چاره اندیشی شود. این استاد دانشگاه کابل همه دست اندازیهای ایران در مصادره دانشمندان افغانی را ناشی از جنگ و نابسامانی در این کشور برشمرد و گفت: متأسفانه جنگ و ناآرامی ها در افغانستان مانع از معرفی این شاعران بزرگ شده است.

http://www.akharinnews.com/index.php?option=com_content&task=view&id=5979&Itemid=36

همچنان روزنامه ایران (شماره 3565 17/11/85) تن به یک ناگذیری داده- چنین مینویسد:

سید جمال الدین افغان، ناصر خسرو قبادیانی بلخي و ابوعلی سینای بلخي! بیشتر خیابان های شهر مزار شریف در افغانستان به تازگی نامگذاری شده و تابلوهایی در آن نصب شده اند. به گزارش ایسنا سایت «افغان ایرکا» در این باره نوشت: در این نامگذاری که خیابان های اصلی و فرعی مزار شریف را دربرمی گیرد، از نام های مفاخر فرهنگی و ملی افغانستان استفاده شده است. بیشتر خیابان های مزار شریف به نام هایی نظیر سیدجمال الدین افغان، ناصر خسرو قبادیانی بلخي، فاطمه بلخي، رابعه بلخي و ابوعلی سینای بلخي نامگذاری شده اند. شهر مزار شریف پس از کابل، دومین شهر افغانستان است که شماری از خیابان های آن نامگذاری می شوند. همچنین دولت افغانستان به مناسبت هشتادمین سال تولد مولانا، یاد این شاعر فارسی زبان قرن هفتم هجری را در سال جاری میلادی گرامی خواهد داشت. به همین منظور حامد کرزی - رئیس جمهور افغانستان - کمیسیونی را متشکل از ۴۰ نفر، مسئول تهیه مقدمات برگزاری يك سمینار بین المللی به مناسبت هشتادمین سال تولد مولانا کرده است. این مراسم یادبود با نام «همایش بین المللی علمی، تحقیقاتی برای گرامیداشت شخصیت علمی و فرهنگی مولانا» برگزار می شود.

روزنامه همشهری باریختن اشک تمساح ،افغانستان را خطر بالقوه به زبان و فرهنگ پارسی دانسته و از احیا و بازسازی اجتماعی و فرهنگی ما به مسوولین کشورش جداً گوشزد مینماید.

هشدار جدی کارشناسان به تحریف های تاریخی

افتخارات مان نصیب همسایگان نشود

در حالی که کشورهای مجاور ایران، به سرعت و با علاقه مندی زیاد، برای تصاحب بزرگان ادبیات فارسی ایران در تلاشند، از مسئولان فرهنگی کشور، اقدام ویژه ای دیده نمی شود.

نام گذاري خيابان هاي شهر مزار شريف افغانستان با اسامي معناداري چون ابو علي سينا ي بلخي و ناصر خسرو قبادياني بلخي که در هفته هاي گذشته صورت گرفت، يکي از اين تلاش ها هستند. اما مسئولان افغانستان که در شرايط فعلي به شدت نيازمند هويت بخشي به کشور در حال بازسازي شان هستند، به اين امر اکتفا نکرده اند. حامد کرزاي، رئيس جمهور افغانستان، کميسيون چهل نفره اي را براي برگزاري سمينار بين المللي علمي- تحقيقاتي براي گراميداشت شخصيت علمي و فرهنگي مولانا تشکيل داده است، در حالي که با وجود نام گذاري سال جاري به نام مولانا، هيچ اقدام عملي قابل توجهي صورت نگرفته است.

از سوي ديگر، بخش عربي شبکه بي بي سي نيز حدود يك ماه پيش، ابن سينا را دانشمند عرب معرفي کرده بود که تنها به چند واکنش رسانه اي محدود در ايران منجر شد؛ غلامرضا اعواني، رئيس انجمن حکمت و فلسفه ايران در گفت و گو با اينسنا گفت: اين گونه سخنان صددرد باطل است و ما ايراني ها بايد در اين موارد بسيار هوشيار باشيم. علاوه بر اعواني، غلامحسين ابراهيمي ديناني نيز در واکنش به ابن سينا ي عرب گفت: ابن سينا اهل بخارا، مرکز زبان فارسي بوده و زبان مادري اش نيز فارسي است، پس او به هيچ وجه نمي تواند عرب باشد. اما واکنش رسمي، جدي و پيگيرانه مقامات ايران، نه تنها ابن سينا ي عرب را جدي نگرفت، بلکه در طول ده روز گذشته، ابن سينا ي افغاني را نيز نادیده گرفت. عماد افروغ مي گويد: اين که کشورهاي ديگر، بزرگان مملکت ما را بزرگ بدانند، باعث خوشحالي است، اما بايد به تحريف واکنش نشان داد. آنها بايد به طور جدي با واکنش جدي ما مواجه شوند و حتي کارشان به شکايت بينجامد. افروغ درباره توجه مسئولان کشور به بزرگان ايراني و هويت فرهنگي کشور مي گويد: به اعتقاد من در اين سال ها نسبت به اين موضوع غفلت صورت گرفته و به عمد هم بوده است. اين غفلت به نام توجه دولت به اقتصاد و معيشت مردم صورت گرفته و در واقع، فضاي کشور ما پيش از حد اقتصاد زده است.

رئيس کميسيون فرهنگي مجلس ادامه مي دهد: نمي گويم تاکنون به اين مسايل بي توجهي کامل شده است، ولي بايد پيش از اين ها باشد و حرکت هايي که تاکنون صورت گرفته، قابل قبول نيست. افروغ با اشاره به پيگيري مجلس در زمينه برگزاري مراسم بزرگداشت مولانا، مي گويد: تا جايي که من مي دانم کمیته اي در وزارت ارشاد تشکيل شده و جلساتي نيز دارند. اين کمیته حاصل تذکر افروغ در صحن علني مجلس به وزارت علوم است که پيش از پنج ماه پيش صورت گرفت. در آن ايام، تذکر افروغ با اين مضمون که چرا در شرايطي که مصر، افغانستان، ترکيه و... در حال برگزاري مراسم مختلف براي بزرگداشت مولانا هستند، مسئولان ايران هيچ اقدامي نمي کنند؟ واکنش وزير علوم و نماينده ايران در يونسکو را برانگيخت و سرانجام کمیته اي براي اقدام در اين زمينه تشکيل شد. حالا، در شرايطي که تنها نزديک به يك ماه به پايان سال هشتادوپنج مانده است، افروغ پاسخ گفتن به اين پرسش را که واقعاً چه اقدام عملي تاکنون انجام شده است؟ وظيفه مسئولان وزارت ارشاد و علوم مي داند. محمد حسين جعفر يان شاعر مي گويد: در اينده خواهيم ديد که اگر ما حرکتمان کند باشد، ديري نخواهد گذشت که به عنوان مثال افغان ها به عنوان يکي از همسايگان فارسي زبان ما نماينده شعر فارسي در دنيا شوند.

<http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1385/851125/news/adabh.htm>

<http://www.ido.ir/a.aspx?a=1385111802>

مروري برزنده گي وفرزانگي فيلسوف، طبيب، محقق، مولف، متفکر، انديشمند و پژوهشگر ابو علي سينا ي بلخي



ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا، مشهور به ابوعلی سینا بلخی و ابن سینای بلخی و یورسینا (متولد ۳۵۹ شمسی در بخارا) یکی از شهرهای بزرگ اریانای کبیر) - درگذشته ۴۱۶ شمسی، از مشهورترین و تاثیرگذارترین فیلسوفان و دانشمندان اریانا بود. وی ۴۵۰ کتاب در زمینه‌های گوناگون نوشته‌است که شمار زیادی از آن‌ها در مورد طبابت و فلسفه است. جورج سارتن او را مشهورترین دانشمند سرزمین‌های اسلامی می‌داند که یکی از معروف‌ترین‌ها در همه زمان و مکان و نژاد است. کتاب معروف او «قانون» نام دارد. زندگینامه او به گفته خودش به نقل از شاگردش ابوعبید جوزجانی: پدرم عبدالله از مردم بلخ بود در روزگار نوح پسر منصور سامانی به بخارا درآمد. بخارا در آن عهد از شهرهای بزرگ بود. پدرم کار دیوانی پیشه کرد و در روستای خرمین به کار گماشته شد. به نزدیکی آن روستا، روستای افشنه بود. در آنجا پدر من، مادرم را به همسری برگزید و وی را به عقد خویش درآورد. نام مادرم ستاره بود من در ماه صفر سال ۳۷۰ از مادر زاده شدم. نام مرا حسین گذاشتند.

ابن سینا بلخی یا یورسینا حسین پسر عبدالله زاده در سال ۳۷۰ هجری قمری و در گذشته در سال ۴۲۸ هجری قمری، دانشمند و پزشک و فیلسوف بود. نام او را به تفاریق ابن سینا، ابوعلی سینا، و یور سینا گفته‌اند. در برخی منابع نام کامل او با ذکر القاب چنین آمده: حجة‌الحق شرف‌الملک شیخ الرئیس ابو علی حسین بن عبدالله بن حسن ابن علی بن سینا البخاری. وی صاحب تألیفات بسیاری است و مهم‌ترین کتاب‌های او عبارت‌اند از شفا در فلسفه و منطق و قانون در طبابت. پدرش عبدالله اهل بلخ بود و مادرش ستاره نام داشت، زنی از اهالی روستای افشنه. ابوعلی سینا بلخی را باید جانشین بزرگ فارابی و شاید بزرگ‌ترین نماینده حکمت در تمدن اسلامی بر شمرد. اهمیت وی در تاریخ فلسفه اسلامی بسیار است زیرا تا عهد او هیچ‌یک از حکما جهان اسلام نتوانسته بودند تمامی اجزای فلسفه را که در آن روزگار حکم دانشنامه‌ای از همه علوم معقول داشت در کتب متعدد و با سبکی روشن مورد بحث و تحقیق قرار دهند و او نخستین و بزرگ‌ترین کسی است که از عهده این کار برآمد. پدرش عبدالله اهل بلخ بود و مادرش ستاره نام داشت، زنی از اهالی روستای افشنه. عبدالله پدر بوعلی دوران جوانی اش را در زادگاه گذرانیده و سپس به بخارا پایتخت حکومت سامانیان عزیمت کرد. هنگامی که ابن سینا پنج سال داشت، نزد پدر که مردی فاضل بود حساب، ریاضیات، و خوانی قرآن و صرف و نحو زبان عربی می‌آموخت و از همان ابتدا بسیار باهوش بود و برای کسب دانش شوق و اشتیاق فراوانی داشت پس از چندی نیز به مکتب رفت که سر آمد هم مکتبی های خود بود.

ابن سینای بلخی یا پورسینا حسین پسر عبدالله زاده در سال ۳۷۰ هجری قمری و در گذشته در سال ۴۲۸ هجری قمری، دانشمند و طبیب و فیلسوف بود. نام او را به تفاریق ابن سینا، ابوعلی سینا، و پور سینا گفته‌اند. در برخی منابع نام کامل او با ذکر القاب چنین آمده: حجة‌الحق شرف‌الملک شیخ الرئیس ابو علی حسین بن عبدالله بن حسن ابن علی بن سینا البخاری. وی صاحب تألیفات بسیاری است و مهم‌ترین کتاب‌های او عبارت‌اند از شفا در فلسفه و منطق و قانون در پزشکی.

«بوعلی سینا را باید جانشین بزرگ فارابی و شاید بزرگ‌ترین نماینده حکمت در تمدن اسلامی بر شمرد. اهمیت وی در تاریخ فلسفه اسلامی بسیار است زیرا تا عهد او هیچ‌یک از حکمای مسلمین نتوانسته بودند تمامی اجزای فلسفه را که در آن روزگار حکم دانشنامه‌ای از همه علوم معقول داشت در کتب متعدد و با سبکی روشن مورد بحث و تحقیق قرار دهند و او نخستین و بزرگ‌ترین کسی است که از عهده این کار برآمد.

او در ده سالگی قرآن را حفظ کرده و ادبیات و هندسه ریاضیات و صرف و نحو عربی را نیز می‌دانست، او به طبیعت و گیاهان و حیوانات علاقه خاصی داشت و اوقات فراغت را در دشت و صحرا به جستجو و کسب تجربه می‌پرداخته و بدین صورت از دوران کودکی به خواص گیاهان و طبابت علاقه مند شده است. هنگامی که ابوعلی دوازده سال داشت به همراه خانواده در بخارا، پایتخت سامانی می‌زیست و پدرش عبد الله نیز دارای شغل و منصب دیوانی بود. عبد الله فرزند خویش را نزد استادی به نام عبد الله ناتلی فرستاد تا نزد او معلومات خود را تکمیل کند. پیش از آن هم ابوعلی علم فقه را از شخصی به نام اسماعیل زاهد فرا گرفته بود.

ابوعلی سینای بلخی به حدی باهوش بود که گاهی در مطالب علمی وجوه تازه ای می‌یافت به طوری که باعث تعجب استاد خود می‌گشت. ناتلی نیز وی را تشویق به فراگیری علوم و دانش اندوزی میکرد و بدین گونه ابوعلی علم منطق را فرا گرفت و بعد به تکمیل ریاضیات پرداخت.

ابوعلی سینای بلخی برای تکمیل و ارتقا معلومات خود چاره ای جز مداومت و کوشش خویش نداشت او طبیعیات و الهیات را نزد خود خواند. او تمامی کتابهایی که در دسترسش قرار میگرفت سود می‌جست و علم پزشکی را نیز خود به وسیله کتابهای بزرگان و تجربیات عملی نزد خود فرا گرفت.

ابوعلی سینای بلخی در جوانی حکمت ماوراء الطبیعه را نیز آموخت و هر کتابی که در این زمینه به دستش می‌رسید مطالعه و تجزیه و تحلیل میکرد. روزی کتاب ما بعد الطبیعه ارسطو را به دست آورد و شروع به مطالعه آن کرد اما هر چه میخواند مفاهیم نهفته در آن را به دست نمی‌آورد و باز از ابتدا می‌خواند تا اینکه بیش از بیست بار کاتب را خواند اما هنوز مفهوم جملات کتاب را به درستی درک نمی‌کرد تا اینکه یک روز که از بازار بخارا عبور میکرد فروشنده ای راه او را گرفت و کتاب فرسوده ای را به وی فروخت. وقتی شروع به خواندن کتاب کرد متوجه شد که کتاب نوشته ابونصر فارابی و در مورد شرح اغراض ما بعید الطبیعه ارسطو است همان کتابی که هر چی ابوعلی رد آن اندیشیده بود برایش مفهوم نشده بود.

در سال سه صد و هفتاد و پنج هنگامی که ابوعلی سینای بلخی هجده سال داشت نوح دوم بر بخارا حکومت میراند. روزی غلامان امیر به دنبال وی آمدن تا برای معالجه امیر به بالین ی رهسپار شود.

ابو علی سینای بلخی سابقه بیماری و نشانه های بیماری را که در امیر ظاهر شده بود از ابن خالد - پزشک مخصوص دربار پرسید. معلوم گشت که امیر از مدتی پیش دچار درد و سوزش شدید معده و حالت تهوع شده و نیز بخشی از

بدنش لمس گشته . ابو علی سینای بلخی از روی عوارض بیماری به بیماری امیر پی برد و با بررسی ظروف مخصوص خوراک امیر بیماری امیر را مسمومیت ناشی از سرب اعلام کرد و اقدام به درمان بیماری امیر کرد. ابوعلی سینای بلخی در قبال معالجه امیر از وی خواست اجازه ورود و استفاده آزادانه از کتابخانه سلطنتی بخارا را کرد - چرا که تنها شاهزادگان و بزرگان حق استفاده از آن را داشتند - و نوح ابن منصور نیز موافقت کرد. این واقعه که در هجده سالگی ابوعلی سینای بلخی اتفاق افتاد فصل تازه ایی در علم اندوزی و کسب دانش برای وی گشوده شد کتابخانه بخارا کی از کاملترین کتابخانه های آن روزگار ایران به شمار میرفت و از اکثر کتابهای قدیمی و کمیاب یک نسخه در آن موجود بود.

روزی که ابن سینای بلخی به کتابخانه سلطنتی پا گذاشت ، شادی اش از دیدن کتابهای گوناگون موجود در آن بی حد و حصر بود . بلخی با حرص و ولع همه آنها را از نظر گذرانید و در طول سه سالی که ابو علی در آن کتابخانه بود و به گفته یکی از شاگردانش دوره طلایی برای تکامل وی محسوب می شد را بگذراند و معلوماتش را در فقه عمیق تر کند . همچنین در مورد ادبیات و موسیقی و زوایای مختلف آنها به تجربه و تحقیق پردازد . او توانست بر روی نقشه های نجومی منجمان گذشته کار کند .

سینای بلخی در سن بیست سالگی شروع به نوشتن کرد و مجموعه ای در ده جلد به نام حاصل و محصول را به رشته تحریر در آورد بعد کتابی در باب اخلاق با عنوان البر و الائم - بی گناهی و گناه - نوشت ، نوشته بعدی وی کتابی در باب فلسفه به نام حکمت عروضی در بیست و یک جلد می باشد.

هنگامی که ابوعلی سینا بلخی بیست و یک سال داشت . روزی در کتابخانه مشغول مطالعه بود که متوجه حریق در قسمت را کتابخانه شد . سعی ابوعلی سینای بلخی و نگهبانان برای خاموش کردن آتش بی فایده بود و کتابها طعمه آتش قرا گرفت بعد از آتش سوزی که به روایاتی عمدی و توسط دشمنان ابوعلی سینا بلخی در دربار صورت گرفته بود در شهر شایعه کردند که خود بوعلی سینا بلخی کتابخانه را آتش زده که این موضوع نیز در امیر اثر کرد و سبب شد تا از ورود ابوعلی به درمانگاه جلوگیری کنند . در همین حال پدر بوعلی سینا بلخی نیز درگذشت و سبب شد تا بوعلی تصمیم به سفر گیرد و با دوست خود ابوسهل مسیحی در سال سه صد و هفتاد و نو ترک دیار کرد و راهی مقصدی نا معلوم شد.

ابوعلی سینا پس از ترک پایتخت سامانی و گذشت نزدیک به یک ماه در یکی از استراحتگاه های میان راه با مردی به نام منصور برخورد کرد کسی که خود از نجیب زادگان و اندیشمندان دربار خوارزم بود و ابن سینا را به دربار خوارزم دعوت کرد . در آن زمان دربار خوارزم تمامی دانشمندان و فرزندان را به دربار خود دعوت میکردند که به سبب وزیر فاضل ابن مامون ابوالحسن احمد بن سهیلی بود که دانشمندان را در دربار خوارزم جمع میکرد.

مرکز حکومت ابن مامون خوارزمشاه ، شهر گرکامج در ساحل رود جیحون بود . در دربار خوارزمشاهیان ابوعلی سینا بلخی و ابوسهیل به گرمی استقبال شدند ، و خود سهیلی وزیر خوارزمشاه به پیشواز ایشان آمد . پس از مدتی استراحت با امیر ابن مامون دیدار کردند و او نیز به ایشان خوش آمد گفت.

ابو علی سینای بلخی برای مدتی نزدیک به سیزده سال در آنجاماند و در طول این مدت وقت خود را به تدریس ، تحریر و معالجه بیماران گذراند . وی در این مدت کتابها و رسالات زیادی به رشته تحریر در آورد که از جمله آنها میتوان رساله ای در مورد نبض به زبان پارسی دری، رساله ای در مورد بهبودگی پیش بینی آینده بر اساس حرکت

ستارگان به زبان عربی و قصیده ای در مورد منطق، کتابی در باب فلسفه به نام بقاء النفس الناطقه و رساله ای در باب افسردگی با نام حزن الاسبابه و بسیاری بسیاری دیگر نوشت.

در این سالها ابوسهل همواره همرا ابوعلی سینای بلخی بود و دوستی بسیاری بین آنها پدید آمده بود. یک روز فرستاده ای از سلطان محمود غزنوی خبر داد که خوارزمشاه باید تمامی دانشمندان خود را نزد او و به پایتخت غزنویان روانه کند در این زمان بوعلی بر خلاف دیگر دانشمندان به غزنین نرفت و بعد از سیزده سال اقامت در گرگانج در زمستان سال سه صدونودو به همراه دوست خود ابوسهل مسیحی شبانه از گرگانج گریخت. سلطان محمود از نیامدن ابن سینا ناراحت شده و دستور میدهد تصاویر زیادی از وی کشیده برای فرمانروایان خراسان بفرستند و برای دستگیری و تحویل او جایزه بزرگی تعیین میکند.

ابو علی سینا بلخی ابتدا برای دیدن مادر خود راهی خراسان و شهر بخارا میشود. اما به زودی ماموران از برگشتن وی باخبر میشوند و او دوباره مجبور به فرار میشود. و این بار همراه دوست خویش ابوسهل نزد سلطان قابوس بن وشمگیر میشود در بین راه بر اثر طوفان شن دوست و همراه خود ابوسهل را از دست میدهد. ابوعلی سینا بلخی بعد از طی مراحل سخت وارد منطقه میشود که باخبر میشود سلطان قابوس توسط سپاهیانش کشته شده است. ابوعلی سینا هنگام ورود به شهر مورد لطف و احترام زرین گیس دختر سلطان قابوس که مانند پدر دوستدار فضلا بود قرار گرفت. ابوعلی جوزجانی که یکی از شاگردان مقرب و یاران همیشگی ابن سینا بوده است از قول استادش زندگینامه او را چنین روایت می کند: « پدرم عبدالله پسر حسن پسر علی ابن سینا از اهالی بلخ بود.

در زمامداری امیر نوح سامانی به سوی بخارا نقل مکان کرد و در دهکده ای از توابع بخارا سکنی گزید و به برزگری و کشاورزی پرداخت. در آن ایام با دختری ستاره نام در دهکده افشانه که جز همان دهستان بود، ازدواج کرد. من در سال دوصدوپنجاه و نو خورشیدی (نوصدو هشتاد میلادی) به دنیا آمدم. بعد از مدت زمانی پدرم به شهر بخارا آمد، مرا به مکتب برد و به دست استاد سپرد. درس قرآن و ادبیات را شروع کردم و در ده سالگی قرآن را حفظ نموده و در ادبیات مقامی کسب کردم که همدرسانم را تحت الشعاع قرار داده بودم. با کمال جدیت نزد اسماعیل زاهد فقه روی آوردم و در این رشته رشته به حدی رسیدم که مفتی حنفیان بخارا شدم. در همان زمان حساب را پیش یکی از سبزی فروشها که در علم حساب توانا بود فرا گرفته و ریاضی را از استادی به نام محمد مساح کسب نمودم. دیری نگذشت که شخصی به نام عبدالله ناتلی به شهر ما آمد؛ او خود را فیلسوف معرفی کرد و پدرم وی را در خانه خود جا داد و از او خواهش کرد که مرا تعلیم دهد. کتاب ایساغوجی را پیش وی خواندم و هر مسئله ای را که استاد شرح می داد، من بهتر از او تفسیر می کردم. در مدت زمانی اندک توانستم در علم منطق، سرمایه زیادی کسب کنم. کتاب اقلیدس را نیز نزد ناتلی شروع کردم، پنج یا شش شکل آن را تشریح کرد، بقیه مشکل را خود حل کردم. این بار کتاب دیگری را مورد مطالعه قرار دادم و دیگر نیازی به ناتلی نمانده بود.

ناتلی از ما جدا شد، بعد از علم منطق و هندسه و فلکیات، که از ناتلی و غیره فرا گرفته بودم؛ به فراگیری علوم طبیعی و ماوراء الطبیعه و علوم طب پرداختم. کتاب ماوراء الطبیعه تألیف ارسطو را پیدا کردم، دیدم بسیار مشکل است. چهل بار از اول تا به آخر خواندم و تمام مندرجاتش را حفظ کردم، اما چیزی از محتوای آن نفهمیدم. تا روزی در بازار صحافان بخارا به سمساری برخورددم، کتابی در دست داشت، گفت: ابوعلی این کتاب را بستان که بسیار ارزان است و صاحبش آن

را از سر نیازی که به مال دارد میفروشد. کتاب را به سه درهم خریدم و به خانه آوردم. کتاب یکی از تألیفات فارابی و شرح ماوراءالطبیعه ارسطو بود. آن وقت بود که به کمک این کتاب ارزشمند، مشکلات علم ماوراءالطبیعه همگی بر من روشن شد. در زمینه علم طب بسیاری از کتاب های طبی را که در آن روزگار متداول بود، مطالعه کردم دیدم علم طب بسیار مشکل نیست.

بسیار زود در این باره نیز پیشرفتهایی حاصل شد، که از سایر اطبای وقت پیشی گرفتم و شروع به مداوای بیماران کردم. در طب علمی تجارت بر من کشف شد که بسیاری از نظریات مندرج در کتاب ها را وارونه دیدم. در آن ایام که با طب سر و کار داشتم شانزده سالم بود. این را نیز باید یادآوری کنم که پدرم عبدالله و برادرم، که از من بزرگتر بود، گرویده باطنی (اسماعیلیه) بودند. اکثر اوقات بر سر مباحث نفس و عقل، که از فرقه اسماعیلیه تلقین گرفته بودند، به بحث و جدل می پرداختند. من گوش می دادم...

ابوعبید جوزجانی به روایتش ادامه می دهد و می گوید:

هنگامی که ابن سینا بلخی در سن هفده سالگی بود، اتفاقاً امیر نوح بن منصور سامانی، که زمامدار بخارا بود، بیمار شد. طبیبان بزرگ بخارایی با به بالین امیر دعوت کردند. ابن سینا جوان هم خود را در میان آنان جا زد و به عیادت امیر رفت. خود او در این باره می گوید: طبیبان همگی از تشخیص بیماری درماندند. خدا را شکر که تشخیص من درست از آب درآمد و مداوای من اثر رضایت بخش بخشید و امیر به زودی شفا یافت.

گویند بیماری امیر نوح سامانی چنان بود که جملگی عضلاتش چنان سخت و سفت شده بود که توان حرکت را به کلی از او سلب کرده و یارای هیچ حرکتی نداشت. طبیبانی که به بالینش رفتند از علاج درمانده و سیر انداختند. ابن سینای جوان بعد از معاینه دقیق دستور داد که حوض حیاط امیر را مملو از ماهی رعاده کنند. امیر رالوچ کرده و در قفس چوبین قرار داد و در وسط حوض جا داد. در اثر نیروی الکتریسیته ای که از ماهی رعاده تولید می شود و با جسم امیر تماس می گرفت، امیر به کلی از مریضی عضلات نجات یافت. ناگفته نماند که در هر ماهی رعاده قدرت تولید الکتریسیته به سی ولت می رسد. از این رو پیداست که ابوعلی سینا یک هزار سال قبل از پیدایش روش معالجه با برق و حتی قبل از اختراع برق به تأثیر آن پی برده است. امیر نوح در مقابل این معالجه شگف انگیز می خواست پاداش شایانی به ابن سینای جوان بدهد. در جواب امیر که گفت: « ابو علی هر چه خواهی می دهم ». ابن سینا گفت: « تنها پاداش من این باشد که اجازه بفرمایی در مطالعه کتاب های کتابخانه امیر آزاد باشم ».

برای هر حکمی در معالجه و هر بیانی در تشریح جسم آدمی، دلایل له و علیه را با هم آورده است. شیخ الرئیس ابن سینا اولین دانشمند اسلامی است که کتابهای جامع و منظم در فلسفه نوشته است. کتاب شفای او در واقع حکم یک دائرةالمعارف فلسفی را دارد. علاوه بر شفا کتاب های نجات، اشارات و تنبیهات، قراضه طبیعیات، مبداء و معاد و داستان حی بن یقطان را همگی در فلسفه نوشته است.

ابن سینای بلخی در مدت اقامت در همدان به قصد ایجاد رصدخانه، دستگاهی که شباهت زیادی به ورنیه امروزی داشت، اختراع کرد و مفاهیم مهم فیزیکی از قبیل: حرکت، نیرو، فضای خالی، نور، و حرارت را به دقت بررسی کرده است. ابن سینا استاد تعلیم و تربیت، اولین دانشمند اسلامی است که در این باره اظهارات بسیار ارزنده ای داشته است. کتاب تدابیر المنازل و چهار فصل از فن سوم کتاب اول قانون و مقاله اول از فصل پنجم کتاب شفا را به تعلیم و بهداشت

کودکان اختصاص داده است. ابن سینا راجع به ورزش و انواعش، درباره برگزیدن هنر و حرفه دست بشر را می‌گیرد و به سر منزل سعادت می‌رساند. ابن سینا هزار سال پیش مربیان اطفال را سفارش می‌دهد که از همان اوان کودکی علاقه و شوق بچه را بسنجند و در هر پیشه‌ای که استعداد و علاقه دارد او را در آن پیشه و هنر تشویق کنند. ابن سینا منطق دان، کتاب قانون در طب را سراسر بر اساس صغرا کبری پی‌ریزی کرده، برابر کرده و نتیجه‌گیری منطقی را ابراز می‌دارد که جای شک و گمانی نماند.

ابن سینای بلخی روانشناس، در کتاب قانونش بحث‌هایی درباره روان‌شناسی و روان‌پزشکی دارد که واقعا مایه تعجب است. ابن سینا بلخی با وجود عمر کوتاه و با آن همه گرفتاری و دغدغه و اختفا و فرار و زندان، که گریبانگیرش بوده است، توانسته چهارصد و هفتاد و هشتاد و سه کتاب و رساله در هر علمی از علوم متداول زمان خود را به جامعه تقدیم کند. که اکنون دوصد و چهل و شش کتاب و رساله او باقی و در کتابخانه‌های مختلف دنیا موجود است. ابن سینا، فیلسوف در فلسفه اش متأثر از افلاطونی نو بوده و کوشش کرده آن را با دین اسلام وفق دهد؛ که در این باره از ابن رشد بسیار پیشی گرفته و کمتر از ابن رشد از ارسطو تبعیت کرده است. با این همه چندی از کوته‌فکران او را کافر و زندیق خوانده‌اند. ابن سینای طبیب که قانون را نوشته، در حقیقت باید گفت که دایرة‌المعارف طبی را به دنیا ارزانی داشته است. قانون در طب ابن سینا بلخی که شامل پنج کتاب است، تا قرن هفدهم در سراسر اروپا معتبرترین کتاب طبی بوده و در هر دانشگاهی آن را تدریس کرده‌اند، و حتی امروزه هم می‌توان از توجیهاات و اشارات او بهره‌ها کسب کرد.

شرح‌هایی که در دنیای اسلام بر کتاب قانون ابن سینا نوشته شده از علمای زیر است:

علی‌رضوان، متوفی چهارصد و شصت هجری قمری، امام فخر رازی، نجم‌الدین احمد نخجوانی، محمد بن محمود آملی، متوفی بسال هفتصد و سی و سه ه.ق.، سعدالدین محمد فارسی، فخرالدین محمد خجندی، جمال‌الدین حلی، رفیع‌الدین گیلی، یعقوب بن اسحق سلوی، ابوالفرج یعقوب بن اسحق معروف به ابن‌القفا، هبه‌الله یهودی مصری، حکیم محمد بن عبدالله آق‌سرایبی، حکیم علی‌گیلانی،

حال که در دنیای اسلام راجع به ابن سینا نوشته‌ها را نوشتیم، بیایید که به خارج و به دنیای غرب سفری کنیم و ببینیم اروپائیان درباره ابن سینا چه عقایدی دارند و تا چه حد از او قدردانی کرده‌اند. دکتر نجیب عقبی از مصر کتابی را در سه جلد به نام المستشرقون تألیف کرده که در سال نوزده و چهل و شش در دارالمعارف مصر چاپ و انتشار یافته است. در این کتاب هر چه آثار مستشرقین غربی است گرد آمده است؛ شصت و پنج صفحه کتاب مزبور اختصاص به ابوعلی سینا دارد. کتابهای قانون و شفا، اثر ابن سینا بارها و بارها به زبانهای مختلف از جمله عربی، لاتین، فرانسوی و ایتالیایی ترجمه و در پوهنتون‌های مختلف جهان تدریس می‌شدند.

اخلاق و صفات ابن سینا از حیث نیروی جسمانی، مردی نیرومند بود و به همین خاطر از کار کردن احساس خستگی نمی‌کرد. او با داشتن این نیروی فراوان جسمی می‌توانست از پس کار وزارت فرمانروایان برآید و همیشه چه در سفر و چه در نبرد همراه آنان باشد و علاوه بر این به کار دانش و نوشتن نیز بپردازد. می‌گویند که او شبها تا دیرگاه به نوشتن کتاب و رساله می‌پرداخت و در این کار افراط می‌کرد. ابن سینا از لحاظ نیروی ذهنی و تفکر نیز بسیار نیرومند بود.

اینکه او در هجده سالگی توانست تمامی دانش‌های زمان خود را فراگیرد خود نشانگر نیروی ذهنی اوست. نکته منفی در اخلاق ابن سینا گفتار تند او نسبت به دانشمندان هم‌دوره خود و حتی به گذشتگانی مانند افلاطون و زکریای رازی بود.

ابن سینا بلخی علاوه بر پژوهش، تحقیق و طبابت، شاگردانی نیز تربیت کرد که هر کدام دانشمند بزرگی در زمان خود بوده‌اند از جمله:

ابو عبدالله عبدالواحد بن محمد جوزجانی از سال ۴۰۳ هجری تا هنگام مرگ ابن سینا پیوسته در خدمت او بوده‌است و پس از مرگ او به گردآوری و تألیف آثار او پرداخت. تبحر او در ریاضیات بود.

ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان شاگرد بسیار معروف ابن سینای بلخی است که برخی از آثار او در دست است. وی از زردشتیات آذربایجان بود. ولی بعدها مسلمان شد و کنیه ابوالحسن را برگزید.

ابومنصور حسین بن طاهر از دانشمندان آریانا در قرن چهارم و پنجم هجری و از شاگردان ابن سینا بود. وی در دانش‌های زمان خود بیشتر در ریاضیات مهارت داشت. او در سال ۴۴۰ هجری درگذشت.

چنانکه بسیاری از ارباب تواریخ به این مطلب تصریح کرده‌اند و از نوشته‌های خود ابوالحسن بهمنیار از جمله التحصیل چنین مطلبی تأیید می‌شود. یکی از کتاب‌های ابن سینا بلخی به نام المباحث بیشتر شامل جواب سؤالات او است.

ابو عبدالله محمد بن احمد المعصومی یکی دیگر از شاگردان مشهور ابن سینا است که رساله‌العشق را ابن سینا به نام او نوشت. وقتی نزاع علمی بوعلی سینا و ابوریحان بیرونی بر اثر برخی گفتارهای ابوریحان منقطع شد معصومی ادامه بحث با ابوریحان را به عهده گرفت. مطالب معصومی به همراه اجوبه ابن سینا و سوالان و ردود ابی ریحان در کتابی به نام اسئله و اجوبه در لبنان چاپ شده است.

شیخ علی نسائی خراسانی یکی دیگر از شاگردان ابن سینا که ناصر خسرو هم در سفرنامه اش از وی نام میبرد.

آثار ابن سینای بلخی: به دلیل آنکه در آن عصر، عربی زبان رایج آثار علمی بود، ابن سینای بلخی که در آن روزگار می‌زیستند کتابهای خود را به زبان عربی نوشتند. بعدها بعضی از این آثار به زبانهای دیگر از جمله فارسی ترجمه شد. افزون بر این، ابن سینا در ادبیات پارسی در پی نیز دستی قوی داشته‌است. بیش از ۲۰ اثر پارسی به او منسوب است که از میان آنها انتساب دانشنامه علائی و رساله نبض بدو مسلم است. آثار فارسی ابن سینای بلخی، مانند سایر نثرهای علمی زمان وی، با رعایت ایجاز و اختصار کامل نوشته شده‌است. آثار فراوانی از وی به جا مانده و یا به او نسبت داده شده که فهرست جامعی از آنها در فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا آورده شده‌است. این فهرست شامل ۱۳۱ نوشته اصیل از ابن سینا و ۱۱۱ اثر منسوب به او است.

از مصنفات او: کتاب المجموع در یک جلد، کتاب الحاصل و المحصول در بیست جلد، کتاب البرّ و الاثم، در دو جلد، کتاب الشفاء، در هجده جلد، کتاب القانون فی الطب، در هجده جلد، کتاب الارصاد الکلیه، در یک جلد، کتاب الانصاف، در بیست جلد، کتاب النجاه، در سه جلد، کتاب الهدایه، در یک جلد، کتاب الاشارات، در یک جلد، کتاب المختصر الاوسط، در یک جلد، کتاب العلائی، در یک جلد، کتاب القولنج، در یک جلد، کتاب لسان العرب فی اللغه، در ده جلد، کتاب الادویه القلبیه، در یک جلد، کتاب الموجز، در یک جلد، کتاب بعض الحکمة المشرقیه، در یک جلد، کتاب بیان ذوات الجهه، در یک جلد، کتاب المعاد، در یک جلد، کتاب المبدأ و المعاد، در یک جلد.

رسالههاى او : رسالة القضاء و القدر، رسالة فى الآلة الرصديه، رسالة عرض قاطيغورياس، رسالة المنطق بالشعر، قصائد فى العظة و الحكمة، رسالة فى نعوت المواضع الجدليه، رسالة فى اختصار اقليدس، رسالة فى مختصر النبض به زبان فارسى، رسالة فى الحدود، رسالة فى الاجرام السماوية، كتاب الاشاره فى علم المنطق، كتاب اقسام الحكمة، كتاب النهايه، كتاب عهد كتبه لنفسه، كتاب حى بن يقطان، كتاب فى انّ ابعاد الجسم ذاتية له، كتاب خطب، كتاب عيون الحكمة، كتاب فى انه لا يجوز ان يكون شىء واحد جوهريا و عرضيا، كتاب انّ علم زيد غير علم عمرو، رسائل اخوانيه و سلطانيه و مسائل جرت بينه و بين بعض العلماء.

فلسفه:

شفا

نجات

الاشارات و التنبيهات

حى بن يقطان

رياضيات:

زاويه

اقليدس

الارتماطيقى

علم هيئت

المجسطى

جامع البدايع

طبيعى:

ابطال احكام النجوم

الاجرام العلوية و اسباب البرق والرعد

فضا

النبات و الحيوان

طب:

قانون

الادوية القلبيه

دفع المضار الكليه عن الابدان الانسانيه

قولنج

سياسة البدن و فضائل الشراب

تشريح الاعضا

الفصد

الاذیة والاذویة

کتاب قانون یک دایره المعارف طبی است که در آن تمام مبانی اصلی طب سنتی مورد بحث قرار گرفته است مانند :
مبانی تشریح/اناتومی/ مبانی علامت شناسی/سمیولوژی/دواشناسی ودواسازی و نسخه نویسی/فارماکولوژی/و غیره. کتاب قانون از زبان عربی به زبان پارسی ترجمه گردیده و تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است. کتاب قانون در پوهنتونهای اروپایی و آمریکایی تادو قرن پیش مورد استفاده دکتوران بوده و به اکثر زبانهای دنیا ترجمه شده است. و بعد از انجیل بیشترین چاپ را داشته است. افلاطون مغز و قلب و کبد را از اعضای حیاتی بدن انسان ذکر کرده بود و لذا این اعضا را مثلث افلاطون /تریگونوم پلاطو/ مینامیدند. ابن سینا اعلام نمود که دوام و بقای نسل انسان وابسته به دستگاه تولید مثل است و لذا جمع چهار عضو مذکور را مربع ابن سینا بلخی/کوادرانگولا اویسینا / نامیدند. وی همچنین علاقه مند به تأثیرات اندیشه بر جسم بود و آثاری نیز در باب روانشناسی دارد.
موسیقی:

سینای بلخی تئوری دانی دارای دیدگاههای موسیقایی است. او مرد دانش و نه کنش در موسیقی بود ولی آنچنان از همین دانش نظری سخن می راند که گویی در کنش نیز چیره دست است. گمان می شود پورسینا و فارابی بنیادگذاران نخستین پایه های دانش هماهنگی (هارمونی) در موسیقی بوده اند. آثار موسیقایی پور سینا روی هم رفته پنج اثر مهم اوست که در بخش هایی از آنها به موسیقی پرداخته شده:

شفا

جوامع علم موسیقی

المدخل الی صناعة الموسیقی

لواحق

دانشنامه علایی

نجات

اقسام العلوم .

از منابع که در تهیه این مقاله استفاده گردیده است: اصالت ، آریایی ، دعوت نوشته های نویسنده ، میهن دوستی ، شیخ ابوعلی سینایی بلخی اندیشمند زمانه ها رساله از نویسنده چاپ پاکستان خزان نودوشش، ویکی پدیا .
ابن سینای بلخی تابع فلسفه ارسطو بود و از این نظر به استادش فارابی شباهت دارد. مبحث منطق و نفس در آثار او در واقع همان مبحث منطق و نفس ارسطو و شارحان او نظیر اسکندر افرویدیسی و ثامیسپیوس است. اما ابن سینا هر چه به او اواخر عمر نزدیک می شد، بیشتر از ارسطو فاصله می گرفت و به افلاطون و فلوطین و عرفان نزدیک می شد. داستان های تمثیلی او و نیز کتاب پر حجم منطق المشرقی که اواخر عمر تحریر کرده بود، متأسفانه امروز از این کتاب تنها مقدمه اش در دست است. اما حتی در همین مقدمه نیز ابن سینا به انکار آثار دوران ارسطویی خویش مانند شفا و نجات می پردازد.

بخاطر شناختی بهتری فرزندی برومند بلخ به این آدرسها رجوع گردد:

<http://wahdat.net/m/?p=v&i=3205>

<http://profileengine.com/groups/profile/434393408>

<http://www.daikondi.com/aboalisina.htm>

<http://mandegar.tarikhema.ir/%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%B9%D9%84%D9%8A-%D8%B3%D9%8A%D9%86%D8%A7>

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=837>

http://www.afghanistantoday.org/index.php?option=com_content&view=article&id=7216